



هفتمین هم‌اندیشی جایگاه مطالعات قرآنی در اعتلای علوم انسانی

# همایش باززایی الاهیات در عصر پسا کرونا

(چکیده سخنرانی‌ها)

چهارشنبه ۶ اسفند ۱۳۹۹

۱۷:۳۰ - ۹:۳۰

## از زلزله لیسبون تا پاندمی جهان گیر؛ تأثیر شرور طبیعی بر جهش های الاهیاتی

سعیده میرصدری

پژوهشگر پست دکتری دانشگاه پادربورن آلمان

مسئله شرهمواره مسئله‌ای حاشیه‌ای در مباحث جدی فلسفی و الاهیاتی تاریخ اندیشه بوده است. اما در دهه‌های اخیر در غرب به صورت گفتمانی جدی مطرح شده و به یکی از مباحث اصلی فلسفه دین و پرسش‌های مهم پیش‌روی خداباوری و الاهیات تبدیل گردیده است. اما شکل‌گیری نطفه‌های این گفتمان در قرن ۱۸ میلادی و در پی یک شرّ طبیعی بود. در سال ۱۷۵۵ میلادی زلزله مهیبی در لیسبون پرتغال اتفاق می‌افتد که در پی آن شهر به ویرانه‌ای تبدیل شده و هزاران انسان بی‌گناه کشته می‌شوند. در مواجهه با این شرّ مهیب طبیعی گفتمان شرّی شکل می‌گیرد که پاسخ‌های الاهیاتی و فلسفی سنتی به شرّ، و به خصوص تئودیه‌پردازی و نظرورزی لاینیتس در باب «بهترین جهان ممکن» را که در اوایل قرن مطرح کرده بود مورد حمله قرار می‌دهد. از سوی، هیوم، فیلسوف انگلیسی، صورت منطقی مسئله شرّ را برای اولین بار به صورت جدی مطرح کرده و معقولیت خداباوری در مواجهه با مسئله شرّ را زیر سؤال می‌برد. و از سوی دیگر، ولتر، ادیب و فیلسوف فرانسوی، در رمان کوتاه خود تحت عنوان «کاندید یا خوش‌بینی» مستقیماً به هجو ایده بهترین جهان ممکن لاینیتس پرداخته و خوش‌باوری و خوش‌بینی تئودیه او را استهزا می‌کند. و بدین ترتیب نطفه‌های گفتمان شرّ در پی این بلائی طبیعی در سنت یهودی-مسیحی غربی شکل می‌گیرد.

در فضای فکری ایران هم - همچون کلّ جهان اسلام - مسئله شرّ هیچ‌گاه به صورت جدی مطرح نبوده است. اما در پی بروز پاندمی جهانی اخیر شاهد شکل‌گیری گفتمان شرّی بودیم که هرچند نه در فضای رسمی دانشگاهی اما در فضای فکری مجازی به صورت پررنگ مطرح شده، پرسش‌هایی به میان آمد که تا پیش از آن متفکران مسلمان ایرانی با آنها مواجه نبوده‌اند. پرسش‌های نخستین از طرف سایت زیتون از پنج تن از روشنفکران دینی مطرح پرسیده شد. در عکس العمل به این مصاحبه‌ها یادداشت‌های مختلفی در قالب‌ها و سایت‌های مختلف نوشته شده و در پی آن چند تن از روشنفکران دینی سلسله سخنرانی‌هایی با موضوع مسئله شر ارائه کردند. این بحث تا همین امروز همچنان ادامه دارد و به شکل‌گیری گفتمانی جدید منجر شده است.

اهتمام این پژوهش در به تصویر کشیدن تأثیر بلائی طبیعی بر شکل‌گیری گفتمان الاهیاتی شرّ است. گفتمانی که محصول سنتز رویدادی طبیعی با بستری اجتماعی-فرهنگی است، که سالها به صورت خفته با این پرسش دست به گریبان بوده و در پی یک فاجعه طبیعی گویی جهش یافته و بروز می‌یابد.

## نوزایی «الاهیات بیماری» و «الاهیات بیماری نگر»

نعیمه پورمحمدی

استادیار فلسفه دین در دانشگاه ادیان و مذاهب

«مطالعات جدید بیماری» شاخه‌ای از «مطالعات جدید بدن» است که با درگیری یک‌ساله جهان با بیماری کرونا بر اهمیت این مطالعات افزوده است. مطالعات بیماری چندرشته‌ای و فرارشته‌ای است و در آن رشته‌های مختلف علمی با روش‌های خاص خود با هم ترکیب می‌شوند تا یک چارچوب درک و عمل واحد نسبت به بیماری به دست دهند. مطالعات بیماری ارتباطی دوسویه با علوم گوناگون دارد. از یک سو دیدگاه هر یک از علوم درباره بیماری را بیان و نقادی می‌کند و از سوی دیگر با چشم‌انداز بیماری نسخه‌های جدیدی از علوم مختلف عرضه می‌دارد. در پی ایجاد و گسترش علوم بیماری‌نگر، الاهی‌دانان ضروری است در مرحله نخست درک الاهیاتی خود را از بیماری در همه محورهای الاهیاتی شامل خداشناسی، انسان‌شناسی و آخرت‌شناسی بازخوانی و نقادی کنند و در مرحله دوم خداشناسی بیماری‌نگر، انسان‌شناسی بیماری‌نگر و آخرت‌شناسی بیماری‌نگر ارائه کنند.

در مرحله اول در «الاهیات بیماری» که بناست به بازخوانی و نقادی دیدگاه‌های موجود در الاهیات در خصوص بیماری بپردازد، آموزه‌های الاهیاتی در خصوص بیماری را نقد می‌کنم، همچون: «به‌کارگیری گسترده استعاره بیماری در متون دینی» مثلاً مرض در قلب، «هویت نشانه‌ای و ابزاری شخص بیمار» مثلاً تجلی قدرت شفابخش خدا، تجلی اراده مطلقه و حاکمیت خدا، مایه آمیزش مؤمنان، مایه تمایز قدیسان، تجلی عدل و شکوه خدا و یادآور شکر خدا و مایه اجابت دعا، «صبر بر بیماری و امید بیمار به بهروزی در زندگی پس از مرگ»، «دستگیری و صدقه به بیماران»، «تاوان و کفاره گناه بودن بیماری»، «کنترل و تسلط اراده الاهی در بیماری»، «توسل صرف به شفای الاهی در بیماری»، «تکیه به مواهب بیماری» مثلاً فروتنی، پرورش و تعالی روح، یادآوری مرگ و دریافت تسلاهی الهی، «دعوت به خشنودی از بیماری»، «اصرار به حکمت داشتن بیماری و یافتن این حکمت».

همین‌طور در ادامه سخن گفتن از الاهیات بیماری، از ظرفیت‌هایی که در الاهیات سنتی وجود دارد برای درک و کمک به بیمار بهره می‌برم همچون: «حضور همیشگی الاهی»، «همراهان بیمار به عنوان نمایندگان خدا»، «دعوت بیمار برای کمک به دیگران» و «مراقبت‌های معنوی از بیماران» همچون: دعا، گفتگو، تأکید بر گوش دادن، زبان عاطفی.

در مرحله دوم در «الاهیات بیماری‌نگر» با چشم‌انداز شخص بیمار سعی می‌کنم الاهیاتی تازه آن‌گونه که بیمار به آن نیاز دارد و آن را می‌طلبد بازسازی و بازتولید کنم. الاهیات بیماری‌نگر قطعاً بر حول ارزش‌گذاری دوگانه و نظام سلسله‌مراتبی میان کمال و نقص نمی‌چرخد به گونه‌ای که شخص بیمار به دلیل بی‌بهرگی از سلامتی و کمال از فضیلت و ارزش و تقدس نیز تهی باشد. بر این اساس، چنین نیست که همه اشخاص مقدس و الگو در الاهیات بیماری‌نگر در سلامتی و کمال مطلق به سر ببرند، بلکه امکان دارد در همه یا بخشی از زندگی خود بیماری، معلولیت، ضعف یا ناخوشی را تجربه کرده باشند. در سنت مسیحی (با توجه به تصاویر و مجسمه‌هایی از عیسی مسیح مبتلا به سندروم داون در آغوش مریم مقدس در الاهیات بیماری‌نگر) و نیز در سنت اسلامی (با توجه به وجود انبیا و اولیا و حتی ائمه و صحابه‌شان که بیمار یا معلول یا ضعیف و وابسته بوده‌اند) می‌توان نمونه‌های مناسبی را یافت. همین‌طور دوگانه ارزش‌گذاری را می‌توان به جای تمرکز بر محور سلامتی و ناخوشی یا کمال و ضعف یا استقلال و وابستگی بر پایه ارزش‌های دوگانه‌ای همچون تقوا و بی‌تقوایی یا تواضع و استغنا یا اهل هدایت بودن و اهل تکبر بودن تجدید بنا کرد.

## ضرورت بازاندیشی در مبانی دینداری در عصر پساکرونا

محمدعلی ایازی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

کرونا کارهای تعلیمی و تربیتی را به صورت ظاهر به تعطیلی کشانده و یا به فعالیت‌های دینی لطمه زده و آن‌ها را به تعطیلی کشانده است. اگر زمان این تعطیلی‌ها طولانی شود و جایگزین‌های مناسب و جبران‌کننده‌های خاصی برای آن تدارک دیده نشود، طبعاً اثرات سوئی باقی خواهد گذاشت که به تدریج نمایان خواهد شد. یکی از این اثرات در شیوه زندگی و تعامل مردم با یکدیگر است. جامعه تعامل و رواداری و گفتگو و ارتباط را می‌پذیرد. اما فرهنگ عمومی جامعه دینی به سمت هویت‌سازی‌هایی می‌رود که در جهت طرد و نفی دیگران و ترویج کینه و خشونت و مقابله است. بیش از آنکه معارف قرآن این امور را تأیید کند، تفسیر خاصی از دین و معارف قرآنی است که فضای تکفیر و ناسازگاری را دامن می‌زند. اینجاست که این سؤال مطرح می‌شود: اولاً آیا می‌توان منظومه‌ای از آیات را نشان داد که با تکیه بر هویت دینی رواداری دینی، زمینه بازاندیشی در مبانی دینداری را نشان دهد. ثانیاً روش این بازاندیشی چیست و چه شواهدی بر درستی این الگو و منظومه هست؟ ثالثاً چه آثار و نتایجی برجای خواهد گذاشت؟ در این بحث در آغاز تبیینی از این فضا داده خواهد که اگر فکری نشود، به سمت شکاف و خشونت پیش خواهد رفت و از طرفی زمینه دین‌گریزی را تشدید خواهد کرد. شواهد انکارناپذیری در آیات وجود دارد که این مجموعه از آیات هر کدام دیگری را تأیید می‌کند. مهم‌ترین آن، آیه سوره ممتحنه است. چندگانگی مشیت حق از آن دسته از آیات روشن است که مسلمانان باید بپذیرند که اگر اختلاف در جهان مشاهده می‌شود، اتفاقی نیست. این اختلاف جزو نقشه تدبیری الهی است. وقتی قرآن فضای گفتگو را ترویج می‌کند، بخشی از بدبینی و تندی کاسته، و زمینه همکاری و فهم نظر مقابل فراهم می‌گردد.

## تأثیر پاندمی بر خوانش‌های اسطوره‌ای از متن مقدس

جعفر نکونام

استاد دانشگاه قم

در گفتمان کتاب مقدس و قرآن سخن از این است که هرگاه یک عذاب و مصیبت فراگیر طبیعی بر اقوامی وارد می‌آید، به سبب گناهی است که آن اقوام مرتکب شده‌اند. چنین گفتمانی در میان قدما تلقی به قبول شده بود؛ اما در میان متأخران تشکیکاتی را پدید آورده و سبب این تشکیکات چالش‌هایی است که برای آنان فراهم ساخته است؛ نظیر این که اگر این عذاب‌ها برای مجازات گناهکاران است، چرا اولاً، آن عذاب‌ها و مصیبت‌ها اقوام بی‌گناه را هم فرا می‌گیرد و ثانیاً، چرا بسیاری از اقوام گناهکار از آن عذاب‌ها و مصیبت‌ها مصون مانده‌اند؛ ثالثاً، چرا بشر با رشد علمی و تکنولوژیکی خود قدرت مقابله با آن عذاب‌ها و مصیبت‌ها را پیدا می‌کند. این چالش‌ها بسیاری را به این اندیشه سوق داده است که چنین گفتمانی اسطوره‌ای است و عذاب‌ها و مصیبت‌های طبیعی هیچ ربطی به اعمال انسان‌ها ندارد. در این سخنرانی این رویکرد در قبال گفتمان کتاب‌های مقدس بررسی می‌گردد.

## درک از خویشتن و باززایش الاهیات

مهدی اصفهانی

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این مقاله ابتدا بر معنای باززایش متمرکز می‌شود. برای این کار از تأمل بر وضعیت تاریخی که رنسانس نامیده شده آغاز می‌کند، سپس به ریشه‌شناسی لغت پرداخته سپس به دقت در مفهوم زایش و باززایی می‌پردازد. در گام بعد، از شرایط امکان باززایی الاهیات پرسش می‌کند. از آنجا که خدا نه می‌زاید نه زاده می‌شود، باززایی به انسان بازمی‌گردد. در گام بعد پرسش از معنای باززایش الاهیات با توجه به تغییر در انسان مطرح می‌شود. تغییر درک از خویش دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد. در گام بعد تغییر درک انسان از خویش به طور خاص در دوران بیماری‌های فراگیر مورد اشاره قرار می‌گیرد. سپس به کرونا به عنوان پاندمی قرن ۲۱ اشاره می‌شود که در آن انسان قرن ۲۱ گام نویی در درون خود می‌گذارد. نگارنده به طور خاص به تحول مفهوم فرد و جمع پس از پایان کرونا توجه خواهد کرد. در پایان بر مبنای این تحول به بنیادهای الاهیات تازه‌ای که از این نگاه تازه به انسان به دست می‌آید اشاره می‌گردد.

## الاهیات اجابت: از الاهیات سکوت تا الاهیات انقلابی و خلاق

هادی وکیلی

دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در چند آیه از قرآن کریم، خداوند متعالی به طور مستقیم و غیرمستقیم، بندگان خود را به دعاکردن فراخوانده و خود را به اجابت ملزم دانسته است. در برخی آیات حتی دعا به منزله عامل اصلی اعتنای خداوند به بندگان معرفی شده است. در این آیات، از طریق توصیف خدای مجیب به خدایی «قریب» و «اقرّب من حبل الورد»، و در قالب خصوصی من - تو، بر حتمیت اجابت تأکید شده است. روایات بسیاری نیز، هم به شدت بر دعا تأکید کرده‌اند و هم به ذکر انواع، آداب، شرایط و موانع آن پرداخته‌اند. در مجموع می‌توان با فروکاهش دعا به ارتباط، دعا را ارتباط بنده با خدا، و اجابت را ارتباط خدا با بنده دانست. ادعیه اسلامی عمدتاً در سه قالب وارد شده‌اند: ادعیه نیایش، ادعیه درمان و ادعیه حاجت و نیاز. در این بحث توجه خود را به قسم سوم معطوف می‌کنیم. شیخ اکبر ابن عربی در فص شیشی از فصوص الحکم خود به بهانه بحث از انواع عطایا (داد و دهش‌های الهی) به بحث از انواع دعا و اجابت پرداخته است. او دعا را به دعای سؤالی و غیرسؤالی، و دعای سؤالی را به سه قسم سؤال استعجالی، سؤال احتیاطی و سؤال امتثالی تقسیم می‌کند و دعای غیرسؤالی را ناشی از سبقت قضای الهی و علم اجمالی یا تفصیلی سائل به عین ثابت می‌داند. بر این اساس، خداوند در طیفی گسترده از اجابت قرار گرفته است که یک سر آن، اجابت استعجالی و سر دیگر آن اجابت ابطایی است. در هر حال اجابت‌های استعجالی الهی به لحاظ تجربی و به شرط کنترل متغیرهای مزاحم محیطی / علی / اعدادی، به شکل اقلی است که مستلزم واکنش انقلابی، تطابقی و خلاق از جانب اوست و در بیشتر مواقع به شکل سکوت مصلحت‌آمیز و اجابت ابطایی اخروی است. به نظر می‌رسد که الاهیات اسلامی، با نادیده‌گرفتن متغیرهای محیطی، سهم خدا را در اجابت بیش از اندازه لازم برآورد می‌کند. پژوهش‌های تجربی برای تعیین سهم خدا در برآورده ساختن مستقیم حاجات و نیازها می‌تواند از کمیته‌بودن این سهم پرده بردارد.

## تجربه‌های وجودی دوره کرونا و اثر آن در دینداری جمعی پسا کرونا

احمد پاکتچی

دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سنت‌های دینی به لحاظ ماهیت سنت بودن همواره گرایش به ماندگاری دارند و این ویژگی هم در دایره باورها و هم کنش‌های دینی مصداق دارد؛ اما واقعیت آن است که همواره نیروهای محرکی گاه از بیرون و گاه از درون سنت‌های دینی وجود دارند که آنها را با چالش ماندگاری و با تلاطم مواجه می‌کنند و جریان‌های دینی را به سوی تحول و درافکندن طرحی نو سوق می‌دهند. از منظر درون دینی، مهم‌ترین این نیروهای محرکه، تجربه‌های وجودی (اگزیزستانسی) است و این دست تجربه‌ها تنها زمانی می‌توانند از سطح فردی فراتر روند و به تحولی در دینداری جمعی بینجامند که اصل آن تجربه‌ها نیز جمعی و مشترک باشد. در مطالعه حاضر تجربه‌های وجودی برآمده از شرایط همه‌گیری کرونا از چنین منظری به بحث نهاده می‌شود و تلاش می‌گردد نشان داده شود که به تناسب گونه‌های این تجربه‌ها، چه نوع اثری و تحولی را در دینداری جمع در دوره پسا کرونا می‌توان انتظار داشت و مشخصاً اثر آن در جوامع اسلامی چه خواهد بود؟



## نیاز به الاهیات‌های جدید در جهان پسا کرونا

مهراب صادق‌نیا

استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب

کیت کلمنت معتقد است که الاهیات در روزگار مدرن به دسته‌ای پرنده می‌ماند که در جهات مختلفی در حال پروازاند. بنابراین وقتی از نیاز به الاهیات در روزگار پس از کرونا سخن می‌گوئیم، با این چالش روبروئیم که دقیقاً از کدام الاهیات سخن می‌گوئیم. با این حال، در بیشتر الاهیات‌های جدید، یک چیز به چشم می‌خورد: «حساسیت به امر واقع». بر خلاف روزگار سنت که الاهیات متعهدانه می‌کوشید تا چالش‌های معطوف به خدای فرابود را حل کند، در روزگار مدرن الاهیدان‌ها می‌کوشند تا چالش‌های انسان را حل کنند. جنگ‌ها، آشوب‌ها، تبعیض‌های گسترده، و بیماری‌های فراگیر سبب شده‌اند که الاهیات قدری فروتن شده و پیوند عمیق‌تری با بافت اجتماعی‌اش پیدا کند. ویروس کرونا، به مثابه یک موقعیت مرزی، به الاهیدان‌ها نشان داد که نیاز به الاهیات در جهان جدید، نیاز دیگری است. انسانی که زخم خورده و رنجور از کوئید ۱۹ جان به در برده است، حالا نیاز دارد که بدانند الاهیات چگونه می‌تواند او را تسلی دهد.

## چالش کرونا و گفت‌وگوپذیری الیهاتی در گستره جهانی

عبدالمجید مبلنی

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فراگیری کووید-۱۹ چالشی مشترک را در جهان امروز شکل بخشیده است. اثرگذاری کرونا سبب شده است تا مفهوم «فراگیری» در زمانه و زمینه معاصر، فراتر از یک اصطلاح آسیب‌شناسانه در گفتمان پزشکی، به وجه مختلف زندگی بشر گسترش یابد. به یک معنا کرونا، فراتر از هر بحران دیگری پس از جنگ جهانی دوم، در سطوح سه‌گانه زیست جمعی ما توسعه یافته است و ابعاد عمودی (مکانی)، افقی (زمانی) و عمقی (عرصه‌های مختلف زیستی) را درنور دیده است. روان‌شناسان اجتماعی، پیش از این، از میل و نیاز اعضای یک جامعه آسیب‌دیده و سرگشته برای گفت‌وگو در شرایط بحران سخن گفته بودند؛ از جمله ویژگی‌های این گفت‌وگو توجه به قدرتی فراگیر است، قدرتی که رویکرد به آن از منظری روان‌شناختی نوعی ترمیم روحیه جمعی را سبب می‌شود؛ چه آنکه این قدرت، فراتر از مقدرات و امکانات، راهی را، دست‌کم ذهنی و عاطفی، به سوی رفع بحران و حل مشکل می‌گشاید. این راه، آن گونه که روان‌شناسی جمعی توضیح می‌دهد، نوعی ترمیم روحیه را در شرایط بحران سبب می‌شود؛ ضمن آن که به تقویت روابط منجر به همبستگی در جمع، به مثابه ساختار نامرئی و عاطفی پیونده‌دهنده اعضای جامعه آسیب‌دیده، می‌انجامد. اهمیت این مسئله تا آنجا است که در شرایط شکل‌گیری بحران‌های فراگیر در سطوح مختلف ما شاهد پدیداری گروه‌های تازه اجتماعی هستیم؛ گروه‌هایی که مخرج مشترک اعضای آن، و نقطه اتصال ایشان به یکدیگر، در معرض بحران بودن است. با لحاظ آنچه آمد یکی از مهم‌ترین پیامدهای بحران کرونا عبارت است از: درک بشر از خویشتن به مثابه جامعه‌ای مشترک و تداوم‌یافته به اقصی نقاط گیتی که خود می‌تواند دستمایه مجموعه بسیار مهمی از تحولات دیگر در زمینه‌هایی هم چون محیط زیست، صلح جهانی و غیره شود. اکنون، و ذیل مناسباتی از این دست، پریشانی مشترک در جامعه جهانی بشری، میل به گفت‌وگو و تشریح مساعی را، فراتر از هر زمان دیگری در تاریخ مکتوب آدمی، نضج بخشیده و پربسامد گردانده است. در این شرایط رویکرد به گفت‌وگویی معطوف به فرا-قدرت، منطقی الیهاتی یافته است و در دل ظروف و قابلیت‌های نظام آگاهی الیهاتی این جامعه مشترک (جامعه جهانی) بسط و توسعه پیدا نموده است. در واقع ما شاهد گسترش گفت‌وگوهای الیهاتی در عرصه بین‌الملل و حوزه جهانی هستیم.

گفت‌وگویی از این دست، در وهله بعدی، خود دستمایه‌ای می‌گردد برای توان‌یابی جامعه‌ای که در پی بحران مشترک میان اعضای آن «معنا-دار» گردیده است. این توان‌یابی جامعه جهانی حلقه مفقوده‌ای است که جهت حل بسیاری از بحران‌های معاصر، از محیط زیست گرفته تا توزیع و تخصیص ناعادلانه قدرت و ثروت، مورد نیاز است. نکته آنجا است که در پی تقویت جامعه جهانی بر اساس درد مشترک، راهی به سمت شکل‌گیری حوزه عمومی جهانی نیز گشوده می‌شود؛ حوزه‌ای که در فراغ شکل‌گیری و توان‌یابی آن اصول عقلانیت ضروری برای حل بحران‌های فراگیر جهانی مجال پدیداری نمی‌یابد؛ ضمن آن که معطوف ساختن اراده ساختارهای قدرت به سمت رفع این مشکلات اساسا هنگامی میسر می‌شود که پیش‌تر حوزه عمومی مشترک و جهانی زبان ارتباطی فراگیری را پرورده و ارایه داده باشد؛ زبانی که فضای گفت‌وگوهای سیاسی را از مرحله توجه به منافع ملی، که ناشی از حوزه عمومی ملی است، به مرحله توجه به منافع عمومی و جهانی و بحران‌های مرتبط با آن، که ناشی از عقلانیت عمومی و جهانی مشترک است، نایل آورده باشد. گفت‌وگوی الیهاتی پدیدارگردیده در پی بحران کرونا از جمله زمینه‌های شکل‌دهنده به زبانی از این دست است و می‌تواند، چونان ظرفیتی زبان‌شناختی در عرصه عمومی جهانی، توان حوزه مشترک جهانی را برای نقد معطوف به منافع مشترک بشری گسترش دهد.

### مناسک گرای دینی در دوران پسا کرونا

فروغ پارسا

دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مناسک به معنای آیین‌های نیایش و آداب عبادی در همه ادیان و مذاهب وجود دارد. در واقع اگر دین را «مجموعه‌ای از باورها و عقاید و تکالیف و اعمالی که منشاء ماورایی دارند» تعریف کنیم، مناسک ناظر به تکالیف دینی و اعمالی است که انجام آنها به گونه‌ای تجویز شده است. مناسک و مراسم مذهبی در همه ادیان اهمیت دارد و البته نهادهای پر قدرتی برای برپایی و پاسداری از این مناسک در جوامع مختلف ایجاد شده است. دورکیم، به مثابه یک جامعه‌شناس معتقد است که مراسم و مناسک مذهبی، قدرت اخلاقی جامعه را آشکارا می‌کند و احساسات اخلاقی و اجتماعی را تقویت نموده و مناسک اساساً کارکرد انسجام‌بخشی گروهی جامعه را برعهده دارند.

دین اسلام و آموزه‌های قرآنی نیز بر کارکرد اخلاقی و اجتماعی مناسک تأکید کرده و خدای تعالی بزرگداشت مناسک را نشانه پرهیزکاری دانسته است. با این همه باید گفت در سنت‌های شیعیان مسأله مناسک متفاوت است و در مقایسه با مذاهب دیگر نقش پررنگ‌تری دارند. مناسک عبادی شیعه علاوه بر نماز و روزه و حج، که در همه مذاهب اسلامی وجود دارد، به واسطه میراثی که از آموزه‌های امامان شیعه وجود دارد، به عرصه دعاها و زیارت‌نامه‌ها و اوراد و نمازهای مستحبی مختلف که در ساعات مختلف هر روز و نیز در روزهای خاص و ماه‌های خاص باید انجام گیرد گسترده شده و در آثار مختلفی جمع‌آوری شده که زیارات البته بخش عظیمی از این آثار را تشکیل داده‌اند.

درواقع مدفن و مضع امامان شیعه و نیز امامزادگان، مکان‌های مقدسی هستند که زیارت آنها در سنت شیعیان به‌طور مؤکد توصیه شده است و تقدس این قبور به قدری است که علاوه بر مکان آرامگاه که حرم نام گرفته کل شهر قداست پیدا می‌کند. زیارت مرقد و حرم امامان و امامزادگان البته آداب و مناسک خاصی دارد که در کتاب‌های مربوطه ثبت و نگاشته شده است. در همان حال بهینه کردن روند زیارت مشتاقان حرم، تعمیر و نوسازی حرم، اداره این اماکن، جمع‌آوری نذورات و مدیریت اموالی که ارادتمندان امام وقف حضرات نموده‌اند، همگی نیازمند ساز و کارهایی است که بر روی هم تولید آستان‌های مقدس را شکل داده است. حجم عظیم مناسک شیعه بیشتر مرهون زیارت و اماکن زیارتی است. درواقع مراسم عزاداری شهادت امام حسین (ع) را نیز باید به نوعی در شمار گونه‌های زیارت تلقی کرد.

زیارت مرقد امامان به‌ویژه امام حسین (ع) و امام رضا (ع) بقدری در آموزه‌های شیعی اهمیت دارد که در برخی روایات شیعی ثوابی برابر با حج یا چندصد حج دارد. این همه توجیه مناسبی برای پیدایی حلقه و یا مکتب مناسک‌گرایی در شیعه دارد. درواقع برگزاری مراسم زیارتی، اعم از سفرها و تجمعات و عزاداری‌ها و مرثیه‌سرایی و مداحی و مولودی‌خوانی و... همگی در شمار مناسک و یا همان شعایرالله تلقی شده که هم‌سنگ تقوای قلب است. مناسک‌گرایی دینی با این مقدمات به معنای شیوه‌ای از دینداری است که انجام اعمال عبادی و آیین‌های مضبوط در مآثورات و سنت‌های روایی را مساوق دینداری و ایمان می‌داند و مناسک و آداب را نه به مثابه پوسته و ظاهر دین، بلکه اصل و لب دین تعریف می‌نماید.

محدودیت‌های ناشی از پاندمی و همه‌گیری بیماری کرونا، بسیاری از مناسک و اعمال عبادی که جنبه اجتماعی داشتند را تحت تأثیر قرار داد. مساجد به مثابه محل برگزاری نماز جماعت، و نیز مهم‌ترین مناسک عمل عبادی جمعی مسلمانان یعنی حج در این دوران تحت شعاع کرونا قرار گرفتند و تعطیل شدند. مناسک‌گرایی شیعی اما تعطیلی آستان‌های مقدس امامان و مقابر امامزادگان شیعی را جایز نمی‌داند و تأکید دارد که این اماکن مقدس دارالشفای هستند و مردم باید با قوت به زیارت آن مشرف شوند. مناسک‌گرایی دینی در مواجهه با پاندمی کرونا چالش‌های عمده‌ای با رویکردهای کلامی و فقهی به دین داشته است و این همه، مطالعه عمیق و پژوهش روشمند در خاستگاه‌های این گرایش را ضروری ساخته است.

## تأثیر دوگانه کرونا بر مناسک دینی

سید محمدهادی گرامی

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ظهور بیماری کرونا در سده بیست و یکم میلادی چالش‌های زیادی در پی داشت که تمام ابعاد زندگی بشر را احاطه کرد. حوزه‌های هیات و شؤون دینی نیز از این پیامدها بی‌نصیب نماند. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های دینی که از پیامدهای این همه‌گیری متأثر شد، مناسک دینی در میان جمعیت‌های مختلف مذهبی بود.

به نظر می‌رسد کرونا دو تأثیر کاملاً متمایز بر مناسک دینی گذاشت. مناسکی دینی که در ارتباط مستقیم با این بیماری قرار داشتند - مانند دعا، نذورات، تعویذات، درمان‌ها و ... - فربه‌تر شدند. اما سایر مناسک دینی که ضرورتاً ارتباطی به کرونا نداشتند - مانند عبادات، زیارات و .. - نحیف‌تر شدند. فربهی مناسکی در ارتباط با کرونا دور از انتظار نبود، اما نحیف شدن مناسک و آئین‌های بدنی و نمادین جالب توجه بود که احتمالاً باید دلیل آن را تأثیر سلبی تشکیل نشدن اجتماعات مذهبی بر تقلیل مناسک به برنامه‌های مجازی و تلویزیونی دانست. واقعیتی که برای نمونه در عزاداری‌ها، مناسک تدفین و ... به‌خوبی نمود یافت.

با این حال، در این دوره مناسکی که در ارتباط مستقیم با این بیماری قرار می‌گرفت، فربه‌تر شد. در کنار طب مدرن، رهیافت‌های مختلفی برای درمان این بیماری براساس طب‌های مکمل (سنتی، اسلامی و ..) مطرح شد. مثلاً استفاده درمانی از تربت امام حسین (ع) با الگوهایی که پیش از ظهور کرونا در عملکرد شیعیان مسبوق به سابقه نبود، در دوره پساکرونا شکل گرفت.

پژوهش پیش رو تأثیر دوگانه کرونا بر مناسک دینی را با ذکر مثال‌هایی و همچنین توصیف عمیق همدلانه بررسی خواهد کرد و درباره آینده این شرایط تأملات و ملاحظات خود را ارائه خواهد کرد.